

تئاتر اینتراکتیو

مهناز اسماعیلی

تئاتر اینتراکتیو، یکی از سبک‌های معاصر و مدرن در تئاتر تجربی قرن بیست و یکم است؛ شیوه‌ای مدرن و فراتر از تئاتر تصویری که در مقایسه با تئاتر تصویری از شیوه‌های سنتی و کلاسیک نمایشی بهره کمتری می‌برد و به دنبال یک فرم نمایشی کاملاً آبستره و استعاری است. در این سبک نوپا و معاصر، تلاش بر این است که تکنولوژی و تکنیک‌های دیجیتالی در شکلی تئاتری و با یک زبان نو بر روی صحنه نمایش حضور داشته باشند. به همین منظور ویدئو، تصاویر کامپیوتری و تصاویر مستند ضبط شده در شیوه فعالانه‌تری در نمایش‌های اینتراکتیو وجود دارند.

واژه اینتراکتیو از لحاظ لغوی به معنای عملی است که بین دو یا چند اثر که ارتباط متقابل با هم دارند، رخ می‌دهد. هنگامی که دو یا چند پدیده به کنش و واکنش می‌پردازند، گفته می‌شود که آنها با یکدیگر بر همکنش (یا تعامل) دارند.

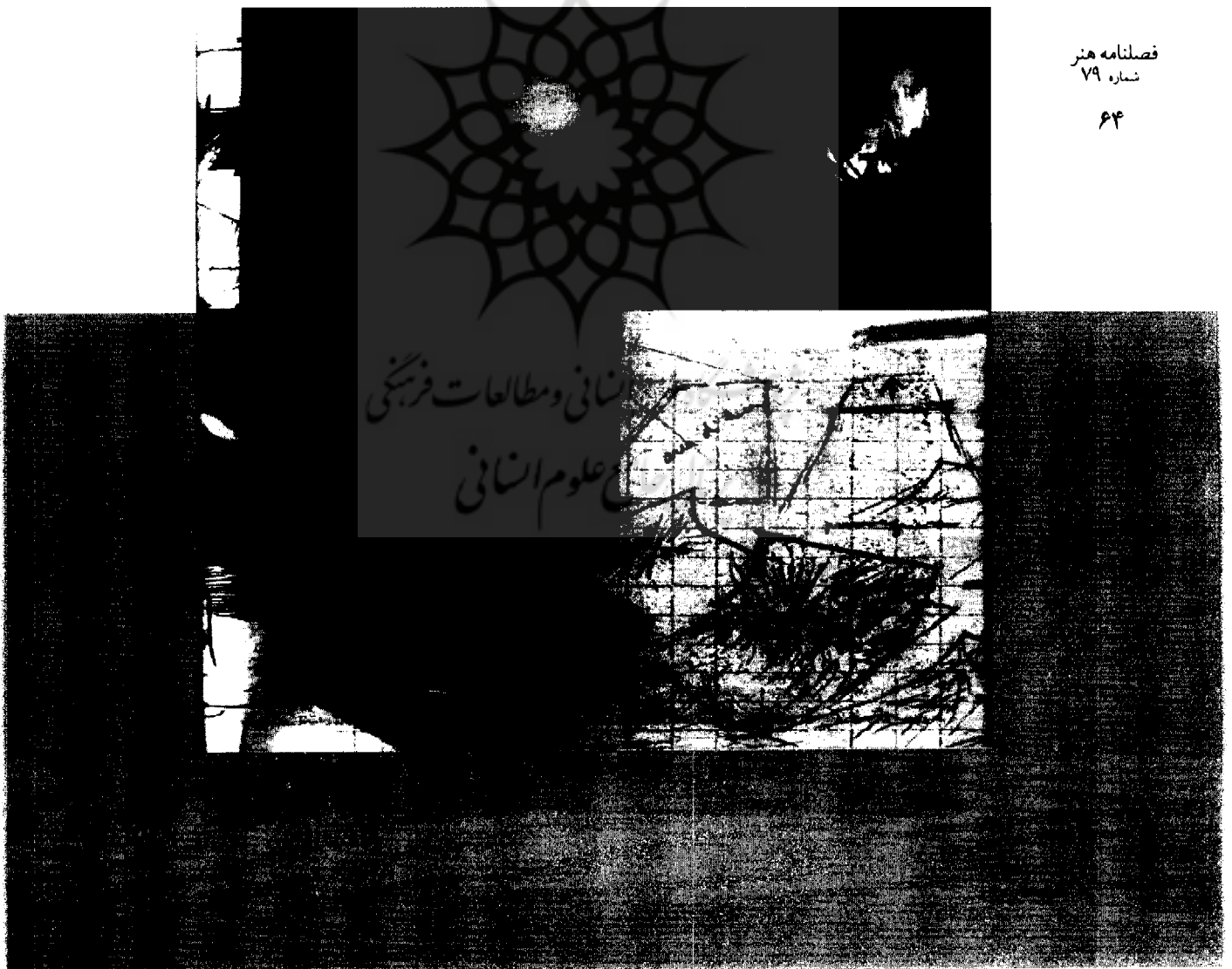
این ویژگی در نمایش باعث حرکت پویا در میان عناصر شده و پیوستگی و هماهنگی بیشتری در میان آنها ایجاد می‌کند. بازیگری، طراحی صحنه و دراماتولوژی نمایش در یک حرکت کنش و واکنش بر

همدیگر تأثیر می‌گذارند. در نمایش‌های اینتراکتیو رابطه میان عوامل صحنه نسبت به تئاتر تصویری تغییراتی بنیادی‌تر می‌کند و مرزهای میان طراحی صحنه و بازیگر و نمایشنامه بر هم می‌ریزد. طراحی صحنه اینتراکتیو خلق فضایی استعاری، غیرواقعی، متغیر با استفاده از «مولتی‌مدیا» در اشکال سمبولیک تصویری و صوتی براساس مفهوم و بن‌مایه نمایش است. مولتی‌مدیا مجموعه‌ای از واسطه‌های ارتباط جمعی و ابزارهای دیجیتالی است که از طریق آن می‌توان به یک زبان تصویری استعاری با قابلیت‌های متنوع و یک شکل ارتباطی جدید میان صحنه غیرحقیقی و دیگر عناصر نمایش، دست یافت. طراحی صحنه در نمایش اینتراکتیو، هویت مستقلی ندارد و به‌طور پیوسته از حرکت بازیگر پیروی می‌کند.

جست‌وجو برای یافتن نماد یا فرم اینتراکتیو بدون مرزبندی محدود شده‌ای صورت می‌گیرد؛ بدین ترتیب جست‌وجویی آزاد و جهان‌شمول است. گاهی از تصاویر مستند از واقعیت و گاهی از یک تصویر و یا یک فرم از پیش آماده الهام گرفته می‌شود و با استفاده از نرم‌افزارهای کامپیوتری تغییراتی در آن صورت می‌دهند و یا گاهی فرم و یا صحنه مورد نظر با برنامه‌های سه‌بعدی کامپیوتری

طرح‌ریزی و ساخته می‌شوند. این تصاویر ویدئویی معمولاً فرم و قالبی کاملاً مجزا از واقعیت دارند. خلاقیت در طراحی صحنه اینتراکتیو در جهت کشف لایه‌های عمیق بن‌مایه نمایش و تلاش در نشان دادن این عناصر نمادین به شیوه اینتراکتیو حرکت می‌کند. دست‌یابی به یک فرم یا یک نماد که دارای قابلیت اینتراکتیو باشد، در اولویت خلاقیت در طراحی صحنه قرار می‌گیرد. به خصوص هنگامی که صحنه اینتراکتیو از یک تصویر واقعی مستند برداشت شده است هیچ شباهت و ارتباط مفهومی میان این تصاویر با هویت ثبت شده آنها در واقعیت وجود ندارد. در حقیقت تمامی تصاویر و اشیاء در ویدئو هویتی خاص و دراماتیک مطابق با حس و مفهوم نمایش را دارد و تلاش بر این است که با تغییر شکل دیجیتال یک تصویر مستند، به فرم و ماهیتی مجزا از هویت واقعی آن دست یافت.

خلق یک فرم مجازی با دست‌مایه واقعی و یا کاملاً ساختگی با استفاده از نرم‌افزارهای دیجیتالی از



ویژگی های طراحی صحنه اینتراکتیو است.

شیء مجازی اینتراکتیو در راستای بیان حس یا مفهومی است که در لحظه مناسب با دخل و تصرف بازیگر پدیدار می شود و به فهم دراماتیک نمایش کمک می کند. در نمایش های معاصر حرکت سیال میان دو فضای متفاوت یکی از عناصر، مورد توجه است. این جریان سیال و روان باعث ایجاد فضای ناپایدار و معلق می شود و به همین دلیل قابلیت طراحی صحنه اینتراکتیو به القای این جریان کمک بسیاری می کند. زبان تصویری طراحی صحنه اینتراکتیو، راهی تازه برای خلق فضاهای معنوی خیالی و روانکاوانه است. صحنه نمایش در جست و جوی نشانه های استعاری برگرفته از عمق و بن مایه نمایش است و فضای رئالیستی دیده نمی شود؛ استفاده از ویدئو و تصاویر کامپیوتری در جهت پیداکردن یک فرم نمایشی شاعرانه و کاملاً مابین مالیستی است. به همین علت یک جریان سیال میان تماشاچی و نمایش ایجاد می کند. نمایش های اینتراکتیو تلاش^۲ در بازیابی یک دیالوگ میان واقعیت و دنیای مجازی دارد. در حقیقت ویدئو یک ابزار انعطاف پذیر برای خلاقیت در نمایش است و قابلیت تغییر همچون یک ماده پلاستیکی را در مجسمه سازی دارد؛ به همین علت ماده اصلی برای خلق صحنه اینتراکتیو به شمار می روند. اگر در تئاتر تصویری شاهد همزیستی میان تصویر و ویدئو با عناصر کلاسیک طراحی صحنه (پانل، پراتیکابل، اکسسوار و...) هستیم، در عوض در تئاتر اینتراکتیو کاملاً از آنها جدا شده و یک تعریف دیگری از طراحی صحنه معاصر در ذهن ایجاد می کند. طراح صحنه در این گونه نمایش ها، طراح دنیای مجازی است، به همین دلیل بایستی توانایی های متفاوتی نسبت به طراح صحنه کلاسیک داشته باشد. خلق فضاهای اینتراکتیو و کشف فرم ها و تصاویر ویدئویی مناسب برای صحنه های اینتراکتیو از وظایف اصلی او به شمار می رود. طراحی به صورت کلاسیک (اسکیس، ماکت، نقشه کشی) از قابلیت هایی است که برای طراح به عنوان یک نیاز اصلی محسوب نمی شود.

روایت تصویری در نمایش های اینتراکتیو، قدرت و نفوذ بیشتری نسبت به تئاتر تصویری دارند. در این گونه نمایش ها صحنه مجازی و تصاویر اینتراکتیو تنها برای خلق فضا و شکل گیری صحنه نیستند، بلکه مکملی برای بازیگر و مسئولیت مهم تری در روی صحنه بر عهده دارند.

تئاتر با این فرم آستره و دیجیتالی شده تبدیل به یک تابلوی الکترونیکی می شود. در این نوع نمایش، ویدئو به صحنه تئاتر نزدیک نمی شود، بلکه کاملاً وارد آن می شود و بدین ترتیب تئاتر نیز وارد آن

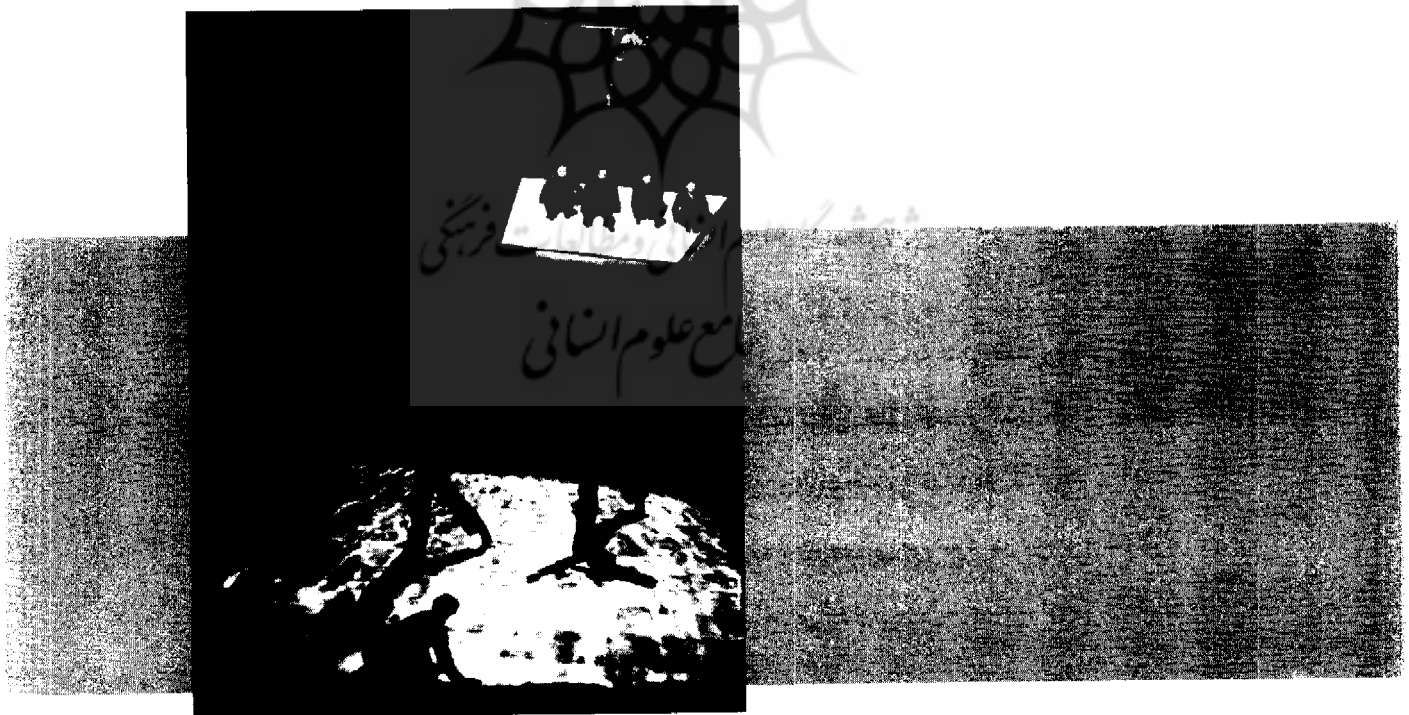
می‌شود.

رابطه پیچیده و تنگاتنگ میان بازیگر و صحنه از ویژگی‌های منحصر به فرد تئاتر اینتراکتیو است. تغییرات صحنه با دخالت بازیگران اتفاق می‌افتد. بازیگر در ترکیب و جزئی از فضا قرار گرفته و تغییر صحنه، منوط به حرکت و دخل و تصرف اوست؛ بدین صورت صحنه و بازیگر مکمل یکدیگر می‌شوند.

دخالت مستقیم بازیگر روی صحنه اینتراکتیو از طریق حس لامسه، آوا و صدا، بر حرکات فیزیکی بازیگر، رابطه عمیق‌تری ایجاد می‌کند. طراحی صحنه جزئی از او و او جزئی از طراحی صحنه می‌شود. بدون شک این ارتباط نو میان صحنه و بازیگر، خواهان شیوه‌ای تازه در بازیگری است. بازیگر تئاتر اینتراکتیو، علاوه بر تمرکز بر روی بدن و بیان خود، بایستی همانند یک تکنسین صحنه بر تغییرات صحنه احاطه و تمرکز داشته باشد؛ زیرا که صحنه با حرکات او و فرمان او تغییر کرده و تبدیل به یک عنصر پویا و متحرک می‌شود.^۲ در این نوع بازیگری تمامی حرکات‌های بازیگر روی صحنه تعریف شده و دارای یک مفهوم خاص است. البته این بدان معنا نیست که بازیگر به یک عنصر مکانیکی مبدل می‌شود، بلکه با توانایی‌های برنامه‌های اینتراکتیو سعی می‌شود تا بیشترین امکان برای

فصلنامه هنر
شماره ۷۹

۶۶



حرکت‌های بازیگر پیش‌بینی شود و بدین ترتیب بازیگر آزادانه ولی با یک تمرکز دقیق‌تر بر روی میزانشن‌ها و حرکات فیزیکی خود در روی صحنه حضور دارد. به عنوان مثال اگر در یک صحنه می‌بایست ویدئو با حرکت بازیگر در یک مکان مشخص در صحنه ظاهر شود، تکنسین‌های برنامه‌های اینتراکتیو بیشترین احتمالات را برای حرکت بازیگر در آن محدوده در نظر گرفته و بازیگر مجبور به خاطر سپردن دقیق نقطه وقوع حرکت اینتراکتیو نبوده و با اطمینان خاطر می‌تواند در محدوده وسیع‌تری حرکت کند.

طبیعتاً در تئاتر اینتراکتیو نمی‌توان انتظار داشت بازیگر در مرکز اجرا باشد. با خصوصیات ذکر شده درمی‌یابیم که بازیگر و صحنه و تمامی عناصر در یک حد یکسان قرار دارند.

باید توجه داشت که در بسیاری از تئاترهای اینتراکتیو استفاده از افکت‌های صوتی و موسیقی یکی از ارکان اساسی است و به طور بسیار حساسی روی ساخت و ترکیب افکت‌های صوتی کار می‌شود و به طور یقین در القای حس صحنه‌های اینتراکتیو بسیار موثر است. خلق و کشف افکت‌هایی نو و استفاده از صداهای ناشناخته در طبیعت از ویژگی‌های خلاقانه‌ای است که در این سبک آبستره و معاصر تئاتری می‌تواند کارایی بیشتری نسبت به افکت‌ها و صداهای شناخته شده در دنیای واقعی داشته باشد.

صحنه اینتراکتیو بر ساختار نمایشنامه نیز تأثیرگذار است. همچون تئاتر تصویری، نمایشنامه و یا در حقیقت طرح نمایشی دست‌مایه اولیه برای پژوهش و کشف تصاویر و فضاهای مجازی است و داستان نمایش گام به گام با بداهه‌پردازی‌های بازیگران و خلق تصاویر ویدئویی صحنه مجازی، کامل می‌شود. بدین ترتیب متن منسجم و از پیش آماده‌ای وجود ندارد و مسیر خلاقیت در بازیگری، صحنه و داستان همسوی می‌روند. در تمامی این مسیر سعی می‌شود که داستان نمایش و طرح نمایشی مطابقت و نزدیکی با ویدئوهای صحنه مجازی داشته باشد.^۲

حضور این پدیده الکترونیکی باعث تغییر شکل ساختار نمایشنامه‌نویسی می‌شود. در ابتدای ورود تکنولوژی دیجیتال در نمایش، نمایشنامه‌نویسان از طرفی سعی می‌کردند که این زبان تصویری نو را در درون ساختار نمایشنامه جای دهند و همچنین شروع کردند به

جایگزین کردن تصویر بر دیالوگ‌های نمایشنامه.

در حقیقت در تئاتر تصویری شاهد این زبان تصویری در درون ساختار نمایشنامه هستیم، ولی در تئاتر اینتراکتیو بیشتر شاهد جایگزینی تصویر و صحنه اینتراکتیو بر دیالوگ و کلام هستیم. کلام تصویری تئاتر اینتراکتیو با قابلیت کنش و واکنش میان عناصر نمایش، توان جبران کلام روایتی دیالوگ را دارد و با توجه به شیوه روایتی خود می‌تواند کاملاً بر بیان داستان نمایش فائق آمده و بدین ترتیب در ساختار طرح نمایشی از ابتدا دارای جایگاهی ثابت و مطمئن باشد. نمایشنامه‌نویسان و کارگردانان تئاتر اینتراکتیو همواره از ابتدای راه این قابلیت‌ها را در نظر می‌گیرند و سعی می‌کنند طرح و داستان نمایش را با آنها تطبیق دهند. تصاویر ویدئویی همچون تئاتر تصویری سعی بر آن دارند که لایه‌های درونی داستان و شخصیت‌های نمایش را آشکار کنند. به همین جهت در روایت احساسات و تفکرات شخصیت‌های داستان بسیار توانمندتر و موثرتر از دیالوگ هستند.

بر هم زدن زمان و مکان و بر هم زدن فاصله میان حرکت و صحنه و ادغام حرکت‌ها از نکات مهم در سیال نمودن نمایش است. حرکت سیال میان واقعیت (بازیگر) و دنیای مجازی (تصاویر ویدئویی) با امکان داشتن قابلیت‌های اینتراکتیو، یکی از توانایی‌های منحصر به فرد تئاتر معاصر است. بازیگر به عنوان نماد واقعیت با حرکت خود مسبب حرکت و جریان دنیای مجازی شده و این عمل یک حس سیال و روان میان آنها ایجاد می‌کند.

عنصر دیگری که متأثر از تئاتر اینتراکتیو می‌شود، مخاطب است. مخاطب این‌گونه نمایش‌ها، مخاطبی ساکن و تهی شده در انتظار اتفاق افتادن چیزی نیست، بلکه تماشاچی است که با یک موضوع جدید برخورد می‌کند و وارد تجربه‌ای پیوسته میان یک واقعه مجازی و واقعی می‌شود. مخاطب از طریق استعاره تصاویر ویدئویی اینتراکتیو و بدن و حرکت بازیگر، سعی می‌کند داستان را کشف و دنبال کند. شباهت‌سازی در واقعیت‌های مجازی، تصاویر و صداها، آشنا در واقعیت با قالبی استعاری به مخاطب کمک می‌کند که با تمرکز موشکافانه نمایش را پی بگیرد. طراحی صحنه مجازی، فضایی دینامیک و پویا برای تمامی عناصر نمایش ایجاد کرده و نمایش از قالب کلام به قالب

ویدئو مولتی مدیا کشیده می شود و با زبانی مدرن و جهانی، تعریفی جدید از نمایش به ما می دهد.

پی نوشت ها:

1. Barberio Corsetti Giorgio, *La Camera astratta tra spettacoli tra video e teatro*, Ubulibri, Milano, 1988.
2. Di Marino Bruno, *Il dispositivo Come forma simbolica, le immagini sensibil di studio Azzurro-Tracce, Sguardi e altri pensieri*, Feltrinelli, Milano, 2007.
3. Valentina Valentini, *Teatro in immagine, eventi performativi e nuovi Media*, Bulzano, Roma 1987.
4. Monteverdi Anna Maria, Balzola Andrea, *Le arti Multimediali digitali*, Garzanti, Milano, 2004.

فصلنامه هنر
شماره ۷۹

۶۹

